

مطالعات کاربردی هنر

معقول‌تر می‌باشد. در نتیجه ما تلاش می‌کنیم تا انرژی بیشتری با استفاده از مواد کم‌تر تولید کنیم و مقدار کم‌تری از آن انرژی را نیز هدر دهیم. در مورد هنرهای اطلاعاتی هم نیز باید گفت که اطلاعات بیشتری امروزه با زحمت و مخارج کم‌تری انتقال داده می‌شوند.

امروزه مقدار اطلاعات حجیمی راه را برای پاسخ‌های پویا و هیجان‌انگیز به سؤال‌هایی که نخستین بار مطرح کردند را می‌گشاید. چگونه یک برنامه شهری می‌تواند درباره کیفیت شرایط انسان کاربرد داشته باشد؟ چه برنامه‌های فرمالیستی وجود دارند که می‌توان آن‌ها را با طرح ملحق ساخت که منجر به بازدهی اقتصادی برای ساکنین شوند؟ چه منافعی در حفظ هویت فرهنگی وجود دارند، زمانی که متحد شدن اقتصادی و جهانی در مقابل کثرت قرار داده می‌شوند؟ روی کامپیوترها و تخته‌های کار معماران و شهرسازان، شهرهای ما به هسته‌های ارتباطی تبدیل می‌شوند، که به تصویری که آرلگیرم نخستین بار در سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۶۰ کشید شجاعت زیادی دارد.

ما با هر جایی در دنیا می‌توانیم به سرعت ارتباط برقرار کنیم. این دسترسی آبی اطلاعات که می‌تواند از هر جای دنیا صورت گیرد نقش مهمی در شکل‌گیری تفکر معماران داشته است. از طراحی بناها، برنامه‌ریزی شهری، همه خواستار دسترسی آبی اطلاعات هستند و نتایج آبی نیز انتظار می‌رود. در نتیجه سرعتی که معماران توسط آن طراحی می‌کنند و پیمانکاران احداث می‌کنند به شدت نحوه فکری طراحی را تغییر داده است. اقتصاد دانان می‌خواهند که ساختمان‌ها هر چه سریع‌تر ساخته شوند، در نتیجه روش‌های ساختمان‌سازی و تکنولوژی احداث همگی به شدت مورد چالش قرار می‌گیرند.

ما تلاش زیادی کرده‌ایم تا هر آن‌چه را می‌دانیم به صورت کد، یا در کاتالوگ و یا مدرکی قرار دهیم. مدرک تصویری و حتی متن‌های زیادی هستند که به

ویژه معماری مدرن

زبان ارتباطات و معماری زبانی برای فرهنگ اطلاع‌رسانی

آتونی کاستیمایتنز

معماری امروزه، در شرایط گذار توسط اصول تبادل اطلاعات و تکنیک‌های گسترده ارتباطات هدایت می‌شود. معماری عصر اطلاعات، به گستردگی منظر اطلاعات بستگی دارد. حجم زیادی تصاویر موجود است که از همه جا سرازیر می‌شود و می‌توان از میان آن‌ها دست به انتخاب زد. جامعه نیز در حال گذار است و معماران و طراحان تحت فشار زیادی هستند تا خود را در صدر اطلاعاتی که به آن‌ها می‌رسد نگهدارند. در هر صورت، چه در صنعت، توسعه‌ای صورت گرفته باشد و یا اقتصاد در حال تحول باشد، سرعت انتقال اطلاعات برای پیش‌رفت ما اهمیت دارد. قرن بیستم فقط درباره پیش‌رفت‌ها بوده است. رابرت ونتوری دقیقاً درست فکر نمی‌کرد که گفت کم، خسته‌کننده است. اساس این اظهار نظر ریشه در اصول کار مفیالیست‌ها در هنرهای تجسمی داشت. پیچیدگی و تناقض همیشه مرگ بوده‌اند. به طور علمی، کم از لحاظ اقتصادی محکم‌تر و مطمئن‌تر است و از لحاظ تکنیکی

زمان‌های قدیم مصر پنج‌هزار سال پیش از میلاد باز می‌گردد. حتی نقاشی‌هایی در غار هستند که به ده‌ها هزارسال پیش باز می‌گردند و در مقابل ما برای تفسیر قرار دارند. ارتباط می‌تواند از زمان‌های بسیار گذشته به ما رسیده باشد. زندگی مرد غارنشین درون غار گذاردن پیامی از خود که ما امروزه می‌توانیم آن را تفسیر کنیم. در تلاش‌مان برای درک روش زندگی آن‌ها ما قرائض آن‌ها را تفسیر می‌کنیم و تکنیک‌هایی از روش‌های ارتباطی آن‌ها را می‌پذیریم. این نابغه غارنشین از پیش‌رفته‌ترین تکنیک که هزاره‌ها دوام آورد استفاده نمود تا به ما چیزی درباره فرهنگ خود بگوید. چه هدفی ارتباط دارد جز این که پاسخ‌گویی نیاز ما برای دوام باشد. هنرمندان معنا را از نجات به هستی تغییر می‌دهند. هنرمندانی بوده‌اند که متوجه گشته‌اند که جزئی از هوشیاری زندگی روزمره ما، یک عقیده پایداری وجود دارد که همه چیز به آن پیوسته است و همان به ما شخصیت می‌بخشد و موجب می‌شود که ماکارهایی را انجام دهیم. بعضی تلاش نموده‌اند تا این عقیده را که به طور عمقی در معنای بصری ریشه دارد را از طریق نماد و طرح‌هایشان نشان دهند.

معماری یک زبان است و هر زبانی دستور زبان‌هایی نیز دارد، مانند اسم، فصل و صفت. زمانی که ما طراحی می‌کنیم کلمات و اصطلاحاتمان را با دقت برای بیان داستانمان انتخاب می‌کنیم و به این دلیل این کار را انجام می‌دهیم که معنای خودمان را برای نسل‌های بعدی باقی بگذاریم.

از آن‌جایی که معماری یک زبان است و در سال‌های ۱۹۶۰ برونو با بحث‌های موفقیت‌آمیز ثابت کرد که هست، پس هدف آن مانند هر زبان دیگری این است که پاسخ‌گویی اساسی‌ترین نیاز وجود بشر باشد. «بقا»، برونوزوی زبان مدرنیسم را در «زبان معماری مدرن» به عنوان تجمع اجزاء یا قسمت‌ها که به فرم‌های مربوط به آن‌ها و فرهنگ ما وابسته هستند توصیف می‌کند. با

کدبندی کردن این زبان، ما مطمئن خواهیم بود که می‌توانیم معنای محیط ساخته شده‌مان را به آیندگان انتقال دهیم.

کریستوفر الکساندر درباره چیزی صحبت می‌کند که آن را به عنوان کیفیتی بدون نام معرفی می‌نماید. قدرت ما در انتقال فرهنگ، از قدرت ما در تعالی بخشیدن نیازهای محیط زیستی‌مان با درک ایدئولوژیکی و فلسفی‌مان از جهان فوق‌العاده‌مان نشأت می‌گیرد. هر چند ما مانند پنجاه سال پیشتر سعی نمی‌کنیم تا هماهنگی ایده‌آل میان انسانیت و طبیعت ایجاد کنیم. ولی هم‌چنان برای ایجاد تعادل با بهره‌گیری از آن‌چه درباره شرایط فرهنگی و زیست محیطی قرار گرفته‌ایم تلاش می‌کنیم. معماری یک بیان معنی‌دار کد بندی شده‌ای است که اگر رمزگشایی شود می‌تواند اطلاعات زیادی به ما درباره این که کی هستیم بدهد.

مطالعه درباره محیط‌های ساخته شده، فرهنگی آشفته و پر سر و صدا و فردی همیشه متغیر را فاش می‌سازد. ما با شتاب در حرکت هستیم و تلاش می‌کنیم تا به درجاتی از تحرک دست یابیم. معنا با مکان مرتبط گشته است، اما امروزه مکان از طریق سرعت و دسترسی از طریق تصویر و تلاش‌هایی بر واقعیتی عینی نیز تغییر یافته است که درک ما را از آن‌چه در جهان واقعی ممکن است، تغییر داده است. این فرهنگ ماست فرهنگ اطلاعات و تکنولوژی.

تلویزیون اولین وسیله ارتباط جمعی بصری الکتریکی بود که جامعه مدرن را تغییر داد و اینترنت نیز همان سننی را که تلویزیون مورد چالش قرار داد، امروزه با آن‌ها مخالفت می‌کند، با این تفاوت که اینترنت پویا، اسطوره‌ای، رمزدار، پیچیده، استعاره‌ای، تحمیلی و مبهم و بسیار چیزهای دیگر است. معماری به عصر اطلاعات الکترونیکی متصل و وابسته است، و معمار یا باید آن را بپذیرد و یا توسط تکنولوژی که هدف آن آزادی همگان است بلعیده شود.